

## چهل گام تا تدوین «مکتب معماری اسلامی»

(در جستجوی الگویی برای بهره‌مندی جامع از آموزه‌های «حکمت اسلامی» در «معماری»)

### سلمان نقره‌کار \*

عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (ره)، دکترای معماری، مرتبه استادیار

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۷/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۱

## چکیده

اگر مأموریت اصلی معماران را «ساماندهی مکان زندگی انسان در بستر محیط» بدانیم؛ آنگاه شناخت «انسان و محیط و نسبت میان این دو» مبنای تصمیمات آنان در طراحی خواهد بود. این شناخت هر دو ساحت «هست‌ها و باید‌ها» را شامل می‌شود که اگر مبتنی بر «عقل و وحی» باشد؛ قاعدتاً اصول معماری منتج از آن، را می‌توان عقلائی و اسلامی و آثار معماری مبتنی بر آنها نیز «معماری اسلامی» دانست. تاکنون دیدگاه‌های مختلفی درباره معماری اسلامی مطرح شده که می‌توان خاستگاه آنها را از دو سو دسته‌بندی کرد. از یک‌سو اسلام‌شناسان با بهره‌گیری از منابع اسلامی به سمت میانی و اصول معماری حرکت کرده‌اند؛ و از دیگر سو معماران و شهرسازان از جایگاه تخصصی خود با مراجعه به این منابع در جستجوی اصول معماری اسلامی برآمده‌اند. این تحقیق با هدف پیشنهاد یک ساختار «وحدت‌بخش و کارآمد» برای تبیین رابطه «معماری و اسلام» آغاز شده است؛ و در جستجوی یک مدل جامع برای ترکیب و تألیف مؤلفه‌های این دو مقوله می‌باشد. پرسش ما آن است که «چگونه می‌توان از آموزه‌های اسلامی به‌طور جامع و کاربردی در معماری بهره جست؟» مسیر تحقیق اینگونه است که ضمن تبیین دو مقوله «اسلام و معماری» با روش تحلیل محتوا و استدلال منطقی تلاش می‌شود که با روش مدلسازی مفاهیم بنیادین این دو مقوله تألیف گردد. یافته تحقیق بیانگر آن است که آموزه‌های اسلامی را می‌توان در سه ساحت «حکمت نظری و عملی و مضاف» دسته‌بندی کرد. معماری نیز از سه منظر «سیستمی، فلسفی، راهبردی» قابل تبیین است (سفر) که فصل مشترک آنها چهار رکن اصلی در معماری است. ترکیب این دو مقوله (سه حوزه حکمت اسلامی و چهار مؤلفه معماری) ظرفیت مناسبی برای ساماندهی یک «مکتب معماری اسلامی» در اختیار می‌گذارد. نتیجه و حاصل کار یک ساختار جدول‌گونه است با ۴۰ خانه که محتوای آن با آموزه‌های حکمت اسلامی باید تکمیل شود و می‌تواند در «راهبری پژوهش‌های معماری اسلامی» مفید باشد. دستاورد تحقیق ارائه الگویی وحدت‌بخش به مجموعه دیدگاه‌ها در قالب یک ساختار نسبتاً جامع خواهد بود که یکی از مقدمات شکل‌گیری «مکتب اسلامی-ایرانی معماری» در آستانه گام دوم انقلاب است.

**واژه‌های کلیدی:** معماری اسلامی، اسلام، نگرش سیستمی، نگرش فلسفی، نگرش راهبردی، حکمت اسلامی، گام دوم انقلاب.



## ۱. مقدمه و تبیین «موضوع، هدف و پرسش» تحقیق

پیش‌فرض مبنای تحقیق آن است که اسلام برنامه جامع زندگی است؛ و معماری و شهر، به‌عنوان مکان زندگی -یکی از شئون زندگی بشر که از سبک زندگی او اثرپذیر و بر آن اثرگذار می‌باشد- قاعدتاً باید بر طبق این برنامه ساماندهی و جهت‌دهی شوند. اگر معماری و شهرسازی مبتنی بر حکمت اسلامی باشد؛ زمینه شکل‌گیری حیات طیبه در انسان‌ها را فراهم می‌کند. **هدف** تحقیق دستیابی به یک الگوی مفهومی برای تعامل میان «اسلام و معماری» است. به عبارتی، ارائه ساختاری برای تدوین مانیفست «الگوی اسلامی-ایرانی معماری» که دستمایه‌ای باشد برای «حکمت مضاف» در معماری از طریق «تفقه و اجتهاد معمارانه» و یافتن مبانی و اصول معماری مبتنی بر حکمت اسلامی، تا آن نیز مقدمه‌ای بر ساماندهی «مکتب معماری اسلامی» به‌عنوان مبنای نظری «شکل‌گیری الگوی اسلامی-ایرانی معماری» بشود. منظور از «مکتب معماری اسلامی، مبانی، اصول و قواعد معماری و منظور از «الگوی اسلامی-ایرانی معماری» ویژگی‌های کالبدی آثار معماری در بوم‌های متنوع «ایران» است که برپایه آن اصول شکل گرفته و متناسب با شرایط هر منطقه، قابل اجتهاد و بومی‌سازی هستند. چشم‌انداز آرمانی تحقیق، آن است که این «مکتب و الگوی منتج از آن» بتواند به‌عنوان مبنایی در کلیه کشورهای اسلامی و سپس در کل جهان اثرگذار باشد و در آستانه گام دوم انقلاب (دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی)<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از زمینه‌سازهای معماری عصر ظهور ایفای نقش کند.

**پرسش** تحقیق: این است که «چگونه می‌توان از تمامی ظرفیت‌های حکمت اسلامی برای تمامی وجوه معماری بهره جست؟» به عبارتی نحوه تأثیر و میزان نفوذ آموزه‌های اسلام در معماری چقدر و چگونه است؟ یافتن پاسخ مستلزم تبیینی جامع از هر دو موضوع «اسلام و معماری» است که دو فصل اصلی بحث ما را تشکیل می‌دهد.

برای تبیین **اهمیت و ضرورت** این بحث، نقدی بر وضع موجود پژوهش‌ها در این حوزه راهگشا خواهد بود. اندیشمندان متعهد، هر یک از یک رویکردی از اسلام به یک جنبه‌ای از معماری پرداخته‌اند و اکنون نیازمند یک «نگرش جامع» هستیم که بمثابة یک نخ تسبیح، مجموع تحقیقات ارزشمند انجام شده را وحدت بخشد. مثلاً نگرش

فقهی به صورت و کالبد معماری می‌پردازد و نگرش اخلاقی به خود معمار یا بهره‌برداران از معماری و... حال آنکه برای شکل‌گیری یک معماری اسلامی -به معنای جامع آن- باید مجموع این نگرش‌ها به‌صورت یکپارچه درباره معماری روشن شوند و اصول معماری اسلامی را تشکیل دهند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پرچمدار گفتمان زندگی بر پایه دین، پس از چهل سال و در آستانه گام دوم انقلاب، باید «مکتب معماری اسلامی-ایرانی» را نیز پایه‌گذاری کند. مکتبی که مبانی و اصول ساماندهی به معماری و شهر را در جهت شکل‌گیری «مسکن طیبه و بلد طیب» رهنمون می‌شود و هدف غایی آن «حیات طیبه» ساکنان و شهروندان است.

و اما برای تبیین **دامنه، محدوده و مرزبندی** بحث، می‌توان گفت که منظور از معماری اسلامی در این تحقیق، چه هست و چه نیست؟! منظور، معماری مبتنی بر حکمت اسلامی است؛ که با دو تعریف دیگر تفاوت دارد. نه آثار معماری مسلمانان (که به معنای معماری تاریخی-سنتی است) و نه فضاهای با کاربری مذهبی (همچون مسجد، مزار، حسینیه و...)، بنابراین در چنین نگرشی، حتی یک سالن جشن، یا یک موزه تاریخی یا هر کاربری دیگر نیز می‌تواند بر اساس آموزه‌های اسلامی تعریف و طراحی شود. برای **نزدیک شدن** به بحث، اشاره‌ای به تفاوت «علوم» با «مهندسی و فنون» و نسبت میان این دو مفید می‌نماید. علوم، مقدمه و پایه و مبنای مهندسی‌ها هستند (العلم امام العمل<sup>۲</sup>) رابطه‌ای ندو شبیه درخت و میوه آن است؛ به این صورت که علوم «تبیین» انسان و جهان می‌کنند؛ در دو ساحت «موجود و مطلوب» یا «هست‌ها و باید‌ها» و مهندسی‌ها تلاش می‌کنند که وضع موجود را به سمت مطلوب «تغییر» بدهند. یعنی مأموریت و ماهیت علوم، توصیفی-تبیینی است، حال آنکه ماهیت مهندسی، تجویزی-تغییری است<sup>۳</sup>. پس مهندسی، تابع علم است و نقطه اوج علم نیز حکمت می‌باشد (یعنی کاربرد علم در تغییر عالم). منظور از علوم از «علوم تجربی تا علوم انسانی و طبیعی» را شامل می‌شود که معماران برای ایجاد مکان زندگی انسان در بستر محیط، نیازمند بهره‌گیری از تمامی طیف این علوم -هر کدام در جای خود- هستند. به عبارتی، فن و فناوری (تکنولوژی) تابع فلسفه است؛ چه آگاهانه و روشن، چه ناخودآگاه و پنهان، هر فناوری ایدئولوژیک است. چون هدفگذاری و جهت‌گیری مسیر فناوری توسط یک ایدئولوژی مبنا (فلسفه پشتیبان) هدایت می‌شود و





میان‌دانشی و تحلیل محتوای آنها دو مفهوم «معماری و اسلام» مدلسازی مستقل می‌شود و سپس در جستجوی کشف روابط سیستمی-معنایی میان آنها برمی‌آییم. برای تبیین «معماری» از سه حوزه دانش «سیستمی- فلسفی- راهبردی» با هدف دست یافتن به یک تبیین جامع از معماری بهره می‌گیریم و برای تبیین «اسلام» طی مروری بر «علوم اسلامی» از منظر استاد مطهری<sup>(۵)</sup> و آیت‌اله جوادی آملی و حضرت امام خمینی<sup>(۶)</sup> می‌شود تا به تبیینی جامع از مجموعه علوم اسلامی تحت عنوان «حکمت اسلامی» دست یابیم.

## ۲-۱. پیشینه تحقیقات انجام شده

تاکنون دیدگاه‌های مختلفی درباره معماری اسلامی مطرح شده که می‌توان خاستگاه آنها را از منظر متخصصان به دو گروه دسته‌بندی کرد. از یک سو اسلام‌شناسان با بهره‌گیری از منابع اسلامی به سمت مبانی و اصول معماری حرکت کرده‌اند و از دیگر سو متخصصان معماری و شهرسازی از پایگاه تخصصی خود با مراجعه به این منابع در جستجوی اصول معماری اسلامی برآمده‌اند. از منظر محتوایی نیز می‌توان دو مسیر را شناسایی کرد. یک مسیر از خاستگاه اسلام به معماری و شهرسازی می‌نگرد و یک مسیر از خاستگاه معماری به اسلام می‌نگرد. گاهی خروجی هر دو مسیر متفاوت و گاهی هم فصل مشترک‌های ارزنده‌ای دارند. عده‌ای از رویکردهای روایی- تفسیری و فقهی وارد معماری شده‌اند و خروجی تحقیقشان معمولاً ناظر بر خود معماری یا پیامد آن است. مثلاً آنجا که پرپایه «قاعده لاضرر»<sup>۴</sup> سخن می‌گویند؛ منظور پیامد نهایی معماری و تأثیرش بر محیط (جامعه یا طبیعت) است. به‌عنوان نمونه سیفیان (۱۳۷۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی»، چنین بیان می‌دارد: «یکی از کارهای بسیار ضروری و مهم در رابطه با بحث معماری و شهرسازی اسلامی تطبیق مقررات و الگوهای جاری معماری و شهرسازی با قاعده لاضرر می‌باشد که از مشهورترین قواعد فقهی اسلام می‌باشد و یکی از امتیازات این قاعده این است که بر قاعده تسلیط تقدم دارد. ... یعنی در نظام اسلامی به صرف مالک بودن نمی‌توان هر نوع تصرفی را شخص در ملک خود اعمال نماید و به موجب قاعده لاضرر تصرفات در ملک شخصی بایستی مبتنی بر اصول و ضوابطی باشد که سبب اضرار به دیگران نگردد حال این ضرر مادی یا معنوی باشد

ایدئولوژی نیز میوه درخت جهان‌بینی و آن نیز ریشه در معرفت‌شناسی (مبانی و منابع شناخت) دارد.



نمودار ۱. رابطه ارگانیک معرفت‌شناسی با علوم، فناوری و در نهایت با معماری (مأخذ: نگارنده)

معماری رشته‌ای میان‌دانشی است چون مهندس معمار باید «انسان و طبیعت» را بشناسد و رابطه شایسته این دو را نیز بداند؛ آن هم در هر سه ساحت «حقیقت بالقوه + واقعیت بالفعل + غایت مطلوب» این دو، این شناخت و معرفت، از جنس حکمت و علم (آرمانگرایی و نظری) می‌باشد. همچنین باید روش‌های رساندن این دو از موجود به مطلوب را در قالب یک «مکان شایسته» بلد باشد و مهارت این کار را نیز داشته باشد؛ این توانایی از جنس «مهندسی» (عملگرایی و واقع‌بینی) می‌باشد. مهندس معمار مدام میان دو عرصه «نظر و عمل» و البته در فضای واسط خیال و تصور راه‌حل‌ها در حرکتی رشد یابنده است. چرا رشد یابنده؟ چون هر ۳ ساحت وجودی اش (عقل و خیال و دست) در این رفت و آمد، شکوفا می‌شود و از قوه به فعل تربیت می‌یابد؛ البته به شرط تربیت درست (ادب الهی) تحت تربیت ولی الهی، که خود، اسوه و الگوی راه‌یافته (مهدی) است. تا اینجا مبانی نظری نگارنده مطرح شد و اکنون برای تبیین موضوع، دیدگاه‌های مختلف درباره «معماری اسلامی» مطرح می‌شود.

## ۲. روش تحقیق

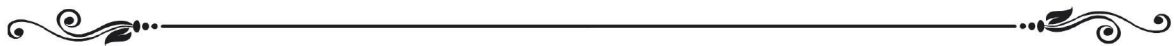
برای یافتن پاسخ، با روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از تکنیک مدلسازی مفهومی - که در دانش‌های میان‌رشته‌ای همچون معماری، کاربرد دارد - ابتدا براساس یافته‌های



انسان‌ها و طبیعت، و... برای خلاقیت، برای شکل دادن به محیط و بالأخره برای ساختن مجتمع‌ها و فضای زیست با هویت است (نقی‌زاده ۱۳۸۵، ۶۱۶). قربانی در کتاب «معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی» لازمه بازگشت به ریشه‌های معماری اصیل اسلامی را آگاهی یافتن از اصول و مبانی نظری و راهبردهای عملی اسلام و ذوب گشتن در پرتو انوار ملکوتی آن می‌داند و تحقق دوباره آثار اسلامی را منوط به «آگاهی و اعتقاد» متخصصان [معماران و شهرسازان] به مبانی نظری و عملی آموزه‌های اسلامی - که زیرساخت اصلی شکلگیری تمدن اسلامی بوده‌اند - مطرح می‌کند (قربانی ۱۳۹۳، فصل مقدمه).

از سوی دیگر معماران گاهی از پایگاه زیبایی‌شناسانه وارد موضوع شده‌اند و رجوع آنها به عرفان است (به دلیل نزدیکی ماهیت «عرفان به هنر») و گاهی از جنبه حکمی-فلسفی ورود کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، نادر اردلان (۱۹۷۰-۱۳۴۹) در کتاب «حس وحدت» درباره معماری سنتی ایرانی و ریشه‌های آن، با مقدمه‌چینی انسان سنتی در جامعه اسلامی شروع کرده و به نقش عقل و جایگاه انسان در آفرینش می‌پردازد و با استفاده از عقل به زبان نمادها که مبین دانشی است که همانا معرفت می‌نامند؛ سراز مبانی به وجود آمدن گنبد درمی‌آورد؛ که می‌گوید: «گنبد شکل ظرف یا حاوی را دارد و بر اساس قوانین عینی ریاضیات و ایستایی ساخته شده است. ... کارکرد بی‌همتای گنبد این است که در عین راه بردن به نقطه‌ای مرکزی، یک فضای کروی را هم در بر می‌گیرد. این کیفیات فطری و دائمی گنبد را باید در حکم تجلی و مظهر صغیر گنبد کبیر افلاک، یعنی آسمان، دانست. سپس به سراغ انسان خلاق، همان هنرمند سنتی که با علوم دریافتی از اطراف خود به بازنمایی جلوه‌ای از حق می‌پردازد؛ که استفاده از تصاویر و نقشه‌ها راه دریافت آن را آسان‌تر می‌سازد؛ و بعد از آن تحقق از طریق هنر برای دستیابی به آن راه‌حل می‌جوید.»<sup>۶</sup> رویکردهای متنوع دیگری هم هستند که در این مقال نمی‌گنجد و هر یک در جای خود مفیدند. اما لازم است ابتدا به‌طور هم‌افزا و هماهنگ، به یک مفاهمه مشترک برسند و سپس به تدریج به وحدت نظری برسند تا زمینه شکل‌گیری یک «مکتب معماری اسلامی-ایرانی» فراهم آید.

فرق نمی‌کند». یا آنجا که پورمحسن و دیگران (۱۳۹۸) باز بر مبنای همین قاعده چنین بیان می‌دارند: «محیط زیست و شهرسازی دو مقوله هم‌پیوند و دارای تأثیر و متقابل بوده که در ایران وضعیت استاندارد و مطلوبی نداشته و نیازمند برنامه‌ریزی بومی است. بی‌شک در کنار سازوکارهای موجود و تجربیات بعضاً مطلوب داخلی و بین‌المللی در زمینه حفاظت از محیط زیست و معماری و شهرسازی پایدار بایستی از قواعد فقهی و اسلامی برای سامان بخشیدن به این حوزه و طرح‌اندازی استفاده کرد؛ اما مهم‌ترین نکته در بحث حفاظت از محیط زیست و معماری و شهرسازی جلوگیری از آسیب رساندن به محیط زیست و انسان‌ها است که در فقه اسلامی نیز این مسئله در قالب قاعده کلان فقهی لاضرر بیان شده است. ...تخریب محیط زیست و شهرسازی افسارگسیخته و متراکم و ناقض حریم انسان‌ها و محیط زیست همگی معلول مدل‌های توسعه و شهرسازی غربی و غیربومی هستند و راه‌حل غلبه بر آن‌ها نیز در رجعت دوباره به همان مدل‌های توسعه غربی نیست. در فرهنگ اسلامی برای غلبه بر این دو مشکل بزرگ مهم‌ترین و اساسی‌ترین قاعده، قاعده لاضرر است؛ زیرا هم ظرفیت اخلاق و دین و هم فقه و قانون را در برابر ناقضان محیط زیست و شهرسازی غیراستاندارد و متناقض با حقوق انسان‌های محیط زیست فعال و کارآمدتر می‌کند.» (پورمحسن و دیگران ۱۳۹۸)؛ یا از منظر فقهی، آنجا که سخن از جهتگیری سرویس بهداشتی می‌گویند معطوف به کالبد معماری است. مثلاً این استفتاء از دفتر مرحوم آیت‌الله بهجت(ره): «در خانه هم توالت رو به قبله و پشت به قبله جایز نیست؛ ولی انحراف از قبله به مقداری که انحراف از قبله بر آن صدق کند و موقع نشستن رو به قبله و پشت به قبله محسوب نشود؛ کافی است و اشکال ندارد.»<sup>۵</sup> نقی‌زاده در کتاب «معماری و شهرسازی اسلامی» در تبیین معماری اسلامی می‌گوید: شهرها و معماری مسلمانان در دوره اسلامی، همچون بسیاری آثار، تنها از این جهت اسلامی نیستند که توسط مسلمانان به وجود آمده‌اند؛ بلکه به آن جهت اسلامی نامیده می‌شوند که مثل شریعت و طریقت، تا حد زیادی از تعالیم عالیه اسلام ملهم هستند. بسیاری از این آثار (در حد توان خویش) حقایق و جان اسلام را در عال هستی متجلی می‌سازند (ر.ک. نصر، ۱۳۷۵). ...تفکر توحیدی به‌عنوان مبنا و عصاره دکتترین اسلام زمینه و بستری برای اندیشیدن، تماس با سایر





- که نتیجه آن پوسته‌ای می‌شود که «فضای درون و فرم بیرون» را سامان می‌دهد (شکل و فرم معماری).
۳. **علت مادی:** مصالح و مواد ساختمانی (که توسط هندسه، ترکیب می‌شوند)
۴. **علت فاعلی:** معمار است. هرچند دست‌اندرکاران شکل‌گیری پروژه افراد و نهادهای گوناگونی هستند (سپهر معماری) که هریک به میزانی نقش «علت فاعلی» را ایفا می‌کنند؛ اما با توجه به اهمیت نقش معمار به‌عنوان تصمیم‌گیری نهایی در پروژه‌ها، او را به‌عنوان علت فاعلی در نظر می‌گیریم.
۵. **بستر یا علت زمینه‌ای:** که عوامل بیرونی معماری هستند که در تشکیل و تغییر معماری نقش دارند. معماری هیچگاه در خلأ اتفاق نمی‌افتد و علل زمینه‌ای در کیفیت یا کمیت شکل‌گیری آن نقش دارند؛ اما می‌توان آنرا جزء چهار علت اصلی ندانست (جزوه نگارنده برای درس مبانی نظری معماری).

### ۳-۳. رویکرد راهبردی به معماری و چهار گام فرایند شکل‌گیری معماری

- هر معماری، طی یک فرایند تصمیم‌گیری راهبردی شکل می‌گیرد که معمار به‌عنوان مدیر و راهبر پروژه و تصمیم‌گیر نهایی، چهار مقوله را مورد نظر قرار می‌دهد:
۱. **ورودی:** عبارت است از سه واقعیت موجود «خواسته‌ها و داشته‌های کارفرما + فرصت‌ها و تهدیدهای زمین و زمینه پروژه + ضوابط فنی و مهندسی که باید تابع آن بود» که معمار باید این دو وضع موجود را در جهت مطلوب راهبری کند.
۲. **فرایند:** عبارت است از مسیری که معمار برای تبدیل ورودی موجود به خروجی مطلوب طی می‌کند. البته در مقیاس فردی، معمار تصمیم‌گیر است؛ اما در مقیاس بزرگتر، مجموعه‌ای از فرایندها طی می‌شود تا یک اثر معماری شکل گیرد. در تحقیقات دیگری این عوامل را «سپهر معماری» نام نهاده‌ایم.
۳. **خروجی:** همان اثر معماری یا بنای ساخته شده است. مکانی که طی فرایند مرحله قبل شکل گرفته و ساکنانش در آن زندگی می‌کنند.
۴. **پیامد:** تأثیری است که مکان بر زندگی ساکنان (و بر محیط) دارد. در واقع همان وضع مطلوبی که از ابتدا معمار در پی ایجاد آن است و مراحل قبلی مقدمه رسیدن به آنست. منظور «حال» ساکنان یک بنا و کیفیت زندگی آنهاست. به عبارتی، به میزانی که

### ۳. تبیین معماری از سه منظر و ارائه تعریفی از آن با چهار رکن

در این بخش با هدف دستیابی به تعریف یا تبیینی جامع از معماری و مقولات اصلی آن، با روش میان‌دانشی و طی مراجعه به دانش‌های گوناگون از زاویه سه دانش «سیستمی، فلسفی و راهبردی» به معماری می‌نگریم.

۳-۱. **رویکرد سیستمی به معماری و پنج مؤلفه اصلی آن**  
معماری یک سیستم است؛ یعنی اجزایی که با هماهنگی یکدیگر، هدفی را برآورده می‌سازند. هر سیستم چهار رکن دارد و در یک بستر شکل می‌گیرد که در معماری بقرار زیر قابل تعریفند:

۱. **هدف و مأموریت اصلی:** برآوردن نیاز ساکنان و در سطحی بالاتر، زمینه‌سازی رشد آنهاست (انسان).
۲. **اجزاء:** از مواد و مصالح تا تک‌تک فضاها به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده معماری می‌باشند.
۳. **روابط میان اجزاء:** از طریق ساماندهی اجزاء توسط معمار (سامانگر) و طی فرایند طراحی شکل می‌گیرد.
۴. **ترکیب کلیت مجموعه، کیفیت و شخصیتی فراتر از تک‌تک اجزاء دارد و همان بنای معماری است که در آن زندگی می‌کنیم و براین‌درک ما از این مکان «حس مکان» نام دارد.**
۵. **بستر یا زمینه شکل‌گیری معماری شامل بسترهای «طبیعی، فرهنگی، تکنولوژی و نظام شهرسازی و معماری» می‌شود که معماری به‌عنوان یک سیستم باید تعاملی سازنده با آن برقرار کند تا به اهدافش برسد. این تعامل با محیط، به منزله هدف فرعی هر سیستم و لازمه زنده ماندن آن است (جزوه نگارنده برای درس مبانی نظری معماری).**

### ۳-۲. رویکرد فلسفی به معماری و پنج علت شکل‌گیری آن

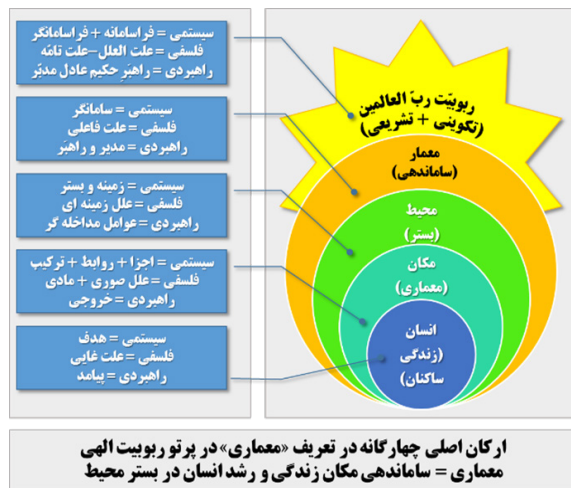
هر پدیده‌ای در جهان برپایه چهار علت شکل می‌گیرد که هریک از این علت‌ها نباشند؛ پدیده شکل نخواهد گرفت. معماری نیز از این قاعده مستثنی نیست. علت‌های چهارگانه در معماری به قرار زیرند. هرچند علت زمینه‌ای در مقولات واقعی و علت‌العلل یا علت تامه (مسبب‌الاسباب) از منظر اسلامی نیز به آنها افزوده می‌شود.

۱. **علت غایی:** هدف پروژه است که برآوردن نیازهای ساکنان و چه بسا زمینه‌سازی رشد آنهاست (انسان).
۲. **علت صوری:** در معماری عبارت است از «هندسه»





بنابراین تا اینجا در یک جمع‌بندی چهار مؤلفه «انسان، مکان (بنا)، محیط و معمار» را می‌توان چهار رکن اصلی معماری دانست که در پرتو ربوبیت الهی در شکل‌گیری معماری ایفای نقش می‌کنند. براین اساس، تعریف اجمالی معماری را می‌توان «ساماندهی مکان زندگی (و رشد) انسان در بستر محیط (توسط معمار)» دانست. بنابراین آموزه‌های حکمت اسلامی (یا هر مکتب دیگر) باید درباره هر چهار مقوله فوق‌سختی برای معماران داشته باشند.



نمودار ۲. ارکان اصلی چهارگانه در تعریف معماری در پرتو ربوبیت الهی معماری (مأخذ: نگارنده)

#### ۴. تبیینی از اسلام و ۳ مؤلفه اصلی علوم اسلامی

نسبت صفت «اسلامی» با معماری چیست؟ ترکیب‌های مشابه واژگانی همچون «اقتصاد اسلامی، فرهنگ اسلامی، تربیت اسلامی و...» هم وجود دارد که لازم است یک‌بار به‌طور جدی تکلیف این شئون زندگی بشر با مقوله «اسلام» روشن شود. در این بخش با هدف دستیابی به یک الگوی جامع از آموزه‌های اسلام تبیینی از «علوم اسلامی» می‌گردد تا مقدمه‌ای شود که نسبت آن با معماری و شهرسازی را دریابیم. اسلام، یک برنامه زندگی برای انسان است که مدعی است که او را به کمال و سعادت دنیا و آخرت می‌رساند. موضوع آن «انسان» و غایت آن «خدا» است (خسروپناه ۱۳۹۷). توصیه اسلام به انسان عبارت از زندگی بر اساس «عقل مبتنی بر وحی» است. بدین معنا که خداوند قوه عقل را به‌عنوان پیامبر

معمار در برآوردن نیاز ساکنان موفق باشد؛ می‌گوییم پروژه، پیامد خوبی داشته است (جزوه نگارنده برای درس مبانی نظری معماری).

#### ۳-۴. جمع‌بندی ۳ نگرش و فصل مشترک آنها: ۴ رکن معماری که در طراحی و نقد معماری قابل ملاحظه‌اند

سه نگرش یادشده به معماری را به اختصار نگرش «سفر» می‌نامیم (س: سیستمی + ف: فلسفی + ر: راهبردی) که بر اساس مدل‌سازی‌های و جمع‌بندی آنها، می‌توان ۴ مقوله اصلی در معماری را در نظر گرفت که اگر مکتبی قرار شود درباره معماری حرفی داشته باشد؛ باید درباره همه آنها نظر داشته باشد:

۱. **خود بنای معماری و ترکیب نهایی آن (اثر معماری)** که به‌عنوان مکان زندگی استفاده می‌شود؛ همان ترکیب اجزا و کلیت در نگرش سیستمی و خروجی در نگرش راهبردی و ترکیب علل صوری و مادی در نگرش فلسفی است.

۲. **تأثیر بنا بر بهره‌برداران (و بلکه خود معمار و محیط)** که عبارت از سبک زندگی ساکنان یا «حال» خوش یا ناخوش آنان است؛ همان علت غایی در نگرش فلسفی و هدف در نگرش سیستمی و پیامد در نگرش راهبردی است. می‌توان خواسته‌های بهره‌بردار (کارفرما) را نیز همان «ورودی» در نگرش راهبردی و وجه بالقوه علت غایی در نگرش فلسفی و هدف در نگرش سیستمی دانست.

۳. **بستر و زمینه شکل‌گیری معماری و نحوه مواجهه بنا با آن، نیز نحوه تصمیم‌گیری معمار در این‌باره، در همه نگرش‌ها به‌عنوان زمینه قابل پذیرش است. چراکه هیچ بنایی در خلأ اتفاق نمی‌افتد. گاهی در نگرش فلسفی آنرا به‌عنوان علت پنجم یا «علل زمینه‌ای» نیز می‌نامند. همچنین گاهی در نگرش راهبردی، اطلاعات زمین و زمینه به‌عنوان بخشی از «ورودی» مسأله معمار لحاظ می‌شود. چراکه معماران در ابتدای کار هر پروژه با دو عامل «خواست کارفرما + زمین» مواجه می‌شوند و باید بر اساس این دو «ورودی»، معادلات معماری را سامان بدهند.**

۴. **معمار (فرایند طراحی او + اهلیت وی + حسن فاعلی و فعلی او) همان سامانگر در نگرش سیستمی و مدیر و راهبر پروژه در نگرش راهبردی و علت فاعلی در نگرش فلسفی است.**





است از «علم به این که رفتار و کردار آدمی، یعنی افعال اختیاری وی چگونه باید باشد». بنابراین حکمت نظری از «هست»ها سخن می‌گوید و حکمت عملی از «باید»ها و «نباید»ها بحث می‌کند. به بیانی دیگر، حکمت نظری درباره‌ی هستی‌های نامقدور [بشر]، کاوش نظری به عمل می‌آورد و حکمت عملی از هستی‌های مقدور و در اختیار انسان گفت‌وگو می‌کند. موجودات، اگر وجودشان در قدرت و اختیار ما نباشد؛ علم مربوط به آنها حکمت نظری نامیده می‌شود و اگر وجودشان در قدرت و اختیار ما باشد؛ علم مربوط به آنها حکمت عملی نامیده می‌شود.<sup>۶</sup> ملاصدرا (متوفی ۱۰۵۰) در شرح هدایه اثیری، حکمت را به دو قسم عملی و نظری تقسیم نموده و معتقد است در حکمت نظری خود معرفت مقصود است؛ و در حکمت عملی ادخال آن علم در وجود یا منع آن علم در وجود، مقصود است. از نظر او حکمت نظری اشرف است. زیرا در حکمت عملی، علم وسیله و عمل مقصود است. به علاوه در حکمت نظری قوه نظری نفس استکمال می‌یابد و قوه‌ی نظری جنبه‌ی عالی‌ه‌ی نفس است (کیانی فرید ۱۳۹۰). امام خمینی (ع)<sup>۷</sup> در باب اقسام علم روایتی از حضرت موسی ابن جعفر (علیه‌السلام) از قول پیامبر حکیم آورده‌اند که فرمودند: ... همانا علم منحصر است به سه چیز: «آیه محکمه، یا فریضه عادلانه، یا سنت قائمه. (نشانه استوار یا واجب راست یا سنت پابرجا) و غیر از این‌ها زیادت است.» که در شرح آن چنین می‌فرمایند: «بدان که ... انسان به طور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است: اول، نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل. دوم، نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال. سوم، نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت. و از برای هر یک از این [ها] کمال خاصی و تربیت مخصوصی است و عملی است مناسب با نشئه و مقام خود، و انبیاء، علیهم السلام، متکفل دستور آن اعمال هستند. پس کلیه علوم نافع منقسم شود به این سه علم، یعنی، علمی که راجع است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه، و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است، و علمی که راجع به اعمال قالبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است. اما علمی که تقویت و تربیت عالم و روحانیت و عقل مجرد را کند؛ علم به ذات مقدس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال، و علم به عوالم غیبیه تجردیه، از قبیل ملائکه و اصناف آن، از اعلی مراتب جبروت اعلی و ملکوت اعلی تا اخیره ملکوت اسفل و ملائکه

درون به وی اعطا کرده و «وحی» را نیز به‌عنوان مکمل آن و پیام‌آور برون، به بشر هدیه کرده تا راه درست زندگی را بیابد (صراط مستقیم یا زندگی مبتنی بر بندگی رب). منبع اصلی این برنامه قرآن که «وحی الهی» است و مفسر، مجری و اسوه آن نیز چهارده معصوم که «انسان کامل» هستند (کتاب الله و عترتی). علوم اسلامی، ثمرات این شجره طیبه‌اند که معمولاً سرنخ و امهات آن توسط خود اهل بیت کاشته و آبیاری شده و بتدریج توسط اندیشمندان مسلمان، متناسب با مقتضیات زمان و مکان، توسعه و تکامل یافته است (امام رضا علیه السلام فرمودند: عَلَيْنَا إِلقاءُ الْأَصُولِ إِلَيْكُمْ، و عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ. بر ماست که اصول را برای شما بیان کنیم و بر شماست که فروغ را استخراج کنید).<sup>۸</sup> این علوم شامل دو جنبه شناخت انسان و جهان، آنگونه که هست (جهان‌بینی-هست‌ها) و ساخت جهان و تربیت انسان، آنگونه که باید باشد (ایدئولوژی-باید‌ها) می‌شود که استاد جوادی آملی در کتاب «مفاتیح الحیات» دو تعبیر زیبای «جهان دانی و جهان داری» را برای این دو به کار می‌برد (جوادی آملی ۱۳۹۷). مجموع این علوم تحت عنوان «حکمت نظری و عملی» نام گرفته‌اند. در مرتبه بعدی، اگر آموزه‌های اسلام به‌طور تخصصی در عرصه‌های گوناگون زندگی شناخته و به کار گرفته شود؛ زمینه شکل‌گیری جهانی نورانی و زندگی معنادار و معنوی، یا حیات معقول و حیات طیبه برای آدمی فراهم می‌گردد که ایشان از آن به «جهان‌آرایی» تعبیر نموده‌اند. وی «جهان دانی، جهان داری و جهان‌آرایی» را سه اصل در وظایف انسان می‌داند که انسان موظف است این سه را در رابطه با حقیقت تبیین کند.<sup>۹</sup> وی با اشاره به دو بخش انگیزه و اندیشه در وجود انسان، «جهان‌آرایی» را رسالت هنر دینی معرفی نموده (خادمی و مسعودیان ۱۳۹۳)؛ و مهمترین رسالت هنر دینی را «جهان‌آرایی» و محسوس کردن معقول دانسته و فرموده‌اند: هنر غیر دینی تنها خیال را محسوس می‌کند در حالی که هنر دینی معقول را محسوس می‌کند و دارای بار علمی است.

تعریف حکمت عبارت است از «درک ویژه‌ای که انسان با آن می‌تواند حق و حقیقت را دریابد و از تباهی کار و از کار تباه جلوگیری نماید». می‌توان آن را قدرت تشخیص حق و باطل و تصمیم عادلانه دانست. حکما و دانشمندان آن را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده‌اند: «حکمت نظری» عبارت است از «شناسایی و علم به احوال اشیا و موجودات، آن‌چنان که هستند» و «حکمت عملی» عبارت



ارضیه و جنود حق جل و علا، و علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها، و علم به کتب منزله و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه و روح، و علم به نشئه آخرت و کیفیت رجوع موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت و تفصیل آنها، و بالجمله، علم به مبدأ وجود و حقیقت و مراتب آن و بسط و قبض و ظهور و رجوع آن. و متکفل این علم پس از انبیا و اولیا، علیهم السلام، فلاسفه و اعظام از حکما و اصحاب معرفت و عرفان هستند. و علوم که راجع به تربیت قلب و ارتیاض آن و اعمال قلبیه است، علم به منجیات و مهلکات خلقیه است؛ یعنی، علم به محاسن اخلاق، مثل صبر و شکر و حیا و تواضع و رضا و شجاعت و سخاوت و زهد و ورع و تقوی، و دیگر از محاسن اخلاق، و علم به کیفیت تحصیل آنها و اسباب حصول آنها و مبادی و شرایط آنها، و علم به قیایح اخلاق، از قبیل حسد و کبر و ربا و حقد و غش و حب ریاست و جاه و حب دنیا و نفس و غیر آن، و علم به مبادی وجود آنها و علم به کیفیت تنزه از آنها. و متکفل این نیز پس از انبیا و اوصیا علیهم السلام، علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارف اند. و علوم که راجع به تربیت ظاهر و ارتیاض آن است؛ علم فقه و مبادی آن، و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن، که متکفل آن علمای ظاهر و فقها و محدثین هستند پس از انبیا و اوصیا، علیهم السلام. و باید دانست که هر یک از این مراتب ثلاثه انسانیه که ذکر شد به طوری به هم مرتبط است که آثار هر یک به دیگری سرایت می‌کند؛ چه در جانب کمال یا طرف نقص»<sup>۱۰</sup> (امام خمینی (ره) ۱۳۹۴).

بر این اساس ریشه و منبع اصلی علوم اسلامی، عبارت از «قرآن و سنت و عترت» است. یعنی کلام خداوند، سنت پیام آور و سیره اهل بیت (علیهم السلام) که خود شامل گفتار و رفتار و آثار ایشان می‌شود. در مرتبه بعد آثاری که در دوران ایشان بوده مورد تأیید و امضای ایشان قرار گرفته یا نکته منفی درباره آن فرموده‌اند نیز؛ می‌تواند مبنای تحقیقات قرار گیرد. علوم اسلامی ثمره این شجره طیبه هستند. بنابراین علوم اصلی<sup>۱۱</sup> زیر را علوم اسلامی و مجموع آنها را «حکمت اسلامی» می‌نامیم<sup>۱۲</sup>:

۱. تفسیر «قرآن و سنت و عترت» از طریق دو منبع «عقل و نقل» معتبر (استنباط، استدلال و استناد علمی)
۲. عرفان و شهود باطنی، با روش ترکیه نفس و ریاضات شرعی

۳. برهان (فلسفه و کلام)، با روش استدلال و عقلانیت مأموریت این علوم تا اینجا، کشف حقیقت و شناخت انسان و جهان است؛ آنطور که هستند. (اللهم ارنی الاشیاء کماهی). یعنی «حکمت نظری»؛ اما از این بعد علوم بر مبنای شناخت فوق هستند و مأموریتشان راهنمایی برای «عمل» است. یعنی حکمت عملی:

۴. اخلاق که به خلقیات درونی انسان می‌پردازد و اولین شاخه حکمت عملی در خودشناسی و خودسازی فردی است.

۵. احکام، فقه و حقوق (که روابط اجتماعی انسان با مردم و محیط زیست را مد نظر دارد و به رفتارهای بیرونی آدمی و رابطه او با خود، خدا و جامعه می‌پردازد) که شاخه‌های دوم و سوم از حکمت عملی است به نام‌های «تدبیر منزل و سیاست مدن» که به تدبیر خانواده و مدیریت جامعه می‌پردازد.

در مرحله بعد علوم تخصصی در هریک از رشته‌های عملی قابل دستیابی هستند (مثلا معماری اسلامی، شهرسازی اسلامی، اقتصاد اسلامی و...) که موضوع تحقیق ما، الگویی برای دستیابی به «ساختار و محتوای» این علوم و «سازوکار بهره‌گیری آنها از علوم اسلامی» است. در حوزه‌های علمیه از این دسته از علوم تخصصی در یک رشته خاص، با نام «فقه مضاف یا فلسفه مضاف» نام می‌برند.

**حکمت اسلامی** عبارت از مجموعه همه این علوم می‌باشد و **معمار حکیم** فردی است که «قدرت تشخیص و تصمیم معمارانه» بر اساس مجموع یافته‌ها از حکمت نظری و عملی اسلامی (هر پنج منبع فوق) را دارد که نیازمند «تفقه و اجتهاد معمارانه» است.

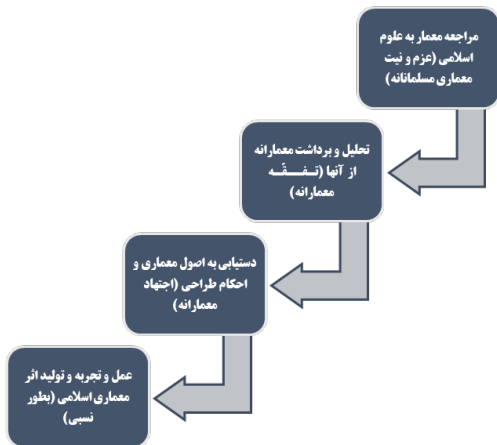
۵. **مدل‌سازی ترکیب «معماری با حکمت اسلامی»**  
آیت‌اله جوادی آملی در مقاله «اصول ۱۵ گانه تمدن‌سازی» اصل یکم را این‌گونه می‌فرمایند که: «تمدن جامعه انسانی در آینه تدبیر او ظهور دارد و ظهور هرگونه برازندگی او در گرو استقرار در مقطع چهارم از اسفار چهارگانه سالکان الهی است. چهارمین میدان مهاجرت از اسفار اربعه، «سفر از خلق به سوی خلق با حق» است. چنین مسافری همواره با حق همراه بوده و از منظر حق، جهان «جماد و نبات و حیوان و انسان و فرشته» را می‌نگرد و در قلمرو هر یک حکم مناسب دارد. جامعه حق مدار هیچ موجودی را بدون روح حا کم بر آن، یعنی حقیقت که







البته پیش نیاز این فرایند، آن است که حقیقتاً قصد و نیت ما این باشد که اسلام را برنامه زندگی و مؤثر بر ظرف زندگی خویش و مردم قرار بدهیم.



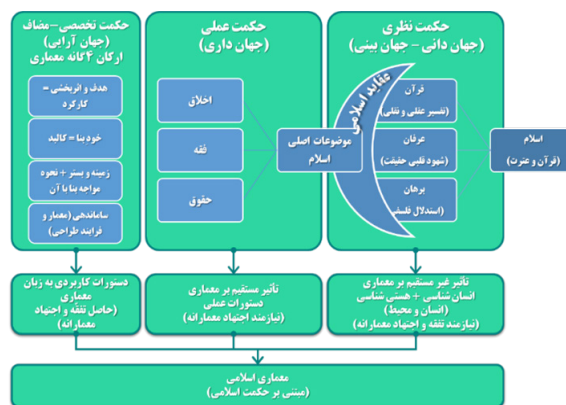
نمودار ۴. فرآیند تأثیر هریک از علوم حکمت اسلامی در معماری و شهرسازی (مأخذ: نگارنده)

اکنون به‌طور خلاصه نمونه‌هایی از نحوه تأثیر و میزان نفوذ هریک از علوم اسلامی در معماری مطرح می‌شود.

۱. قرآن (تفسیر و دلالت) که با روش تدبیر فردی معمارانه و سپس مراجعه به مفسران قرآن‌شناس - به‌عنوان میزان و محکی برای صحت یافته‌ها و بافته‌های ما از قرآن - برای معمار قابل دستیابی است. خداوند حکیم عادل در کلام خود برای سبک زندگی انسان (حیات طیبه)، درباره معماری و شهرسازی، هم نکات مستقیمی دارد درباره مکان زندگی انسان‌ها (ظرف زندگی) از صفات شهر شایسته (بلد طیب) تا معماری و مسکن (مساکن طیبه) و... و هم نکات بیشتری درباره سبک زندگی مسلمانان دارد که معمار مسلمان باید ویژگی‌های ظرف مناسب آن‌را از طریق اجتهاد معمارانه تشخیص بدهد.

۲. عترت (حدیث و روایت) مستند و معتبر، البته در اینجا منظور دقیق‌تر ما مجموع «گفتار و رفتار و آثار» معصومین یا حتی آثاری است که در دوران زندگی مادی معصومین، درباره آنها سخن گفته‌اند و به نقد و نظر درباره آنها پرداخته‌اند (۴ سطح). بنابراین باتوجه به حضور ایشان در میان جامعه و مواجهه با واقعیات زندگی، قاعدتاً دقیق‌تر به ظرف زندگی (معماری و شهر) پرداخته باشند و شاخص‌های

ظهور حق مطلق است؛ بررسی نمی‌کند و هنگام «تدوین» قانون، «اجرای» قانون و «تطبيق عملکرد مجربان» برابر قانون مدون، یعنی قضا و داوری، قالب هر چیزی را با قلب تپنده آن، یعنی حقیقت یادشده، ملاحظه می‌کند» (جوادی آملی ۱۳۹۴). بر مبنای چنین نگرشی، دغدغه معمار مسلمان جستجوی سخن دین در تمامی عرصه‌های تصمیم‌گیری فرایند طراحی است. یعنی از یکسو کشف آموزه‌های حکمت اسلامی در پنج عرصه علوم اسلامی و از دیگرسو کاربرد آن در چهار عرصه اصلی شکل‌گیری اثر معماری، نمودار ذیل ضمن معرفی رابطه حکمت اسلامی با معماری بیان می‌دارد که تأثیر آموزه‌های اسلامی گاهی غیرمستقیم است (یعنی مبانی نظری معمار را شکل می‌دهد) و گاهی مستقیم می‌باشد. همچنین هنگام تبدیل به اصول معماری، در هریک از چهار رکن تصمیم‌گیری معمارانه اثرگذار است. گاهی بر هدف‌گذاری پروژه، گاهی بر فرایند طراحی، گاهی درباره ویژگی‌های مطلوب خود بنا (مثلاً مسکن) و گاهی در نحوه تعامل بنا با محیط پیرامونش راهبردهایی در اختیار معماران می‌گذارد.

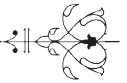


نمودار ۳. نمودار رابطه حکمت اسلامی با معماری (مأخذ: نگارنده)

## ۱-۵. خلاصه‌ای از فرایند تأثیر هریک از علوم حکمت اسلامی در معماری و شهرسازی

مهندسان معمار و شهرساز در مواجهه با علوم اسلامی، اولاً باید به‌طور اجمالی با مقصد و مسیر آنها آشنا باشند (باید در دروس رشته معماری و شهرسازی لحاظ شود). ثانیاً سرفصل‌های آنها را بدانند؛ و ثالثاً با مراجعه به کارشناس هر بخشی، اقدام به «اجتهاد معمارانه» کنند. منظور از این اصطلاح آن است که اصول معماری برگرفته از حکمت اسلامی را به زبان معماری ترجمه و تبدیل کنند.





باشد. یعنی معمار مسلمان باید مکانی طراحی کند که نیازهای انسان را -آن‌گونه که انسان‌شناسی اسلامی تعریف می‌کند- برآورده سازد (مثلاً مکانی که برآورده‌کننده نیازهای مراتب چهارگانه نفس انسان باشد، که چنین مکانی بسیار غنی‌تر از مکانی است که معمارش فقط وظیفه تأمین نیازهای مادی را برعهده خود می‌داند).

۵. اخلاق که به خلیقات درونی انسان می‌پردازد. راه دستیابی معمار به اخلاق نیک، اولاً شناختن نفس خویش و بعد، اقدام به تزکیه نفس است. از طریق مراقبه‌های اخلاقی و طی دو مرحله اصلی «پیراستن» خویش از اخلاق ذمیمه و ردایل اخلاقی، سپس «آراستن» خود به اخلاق حسنه و فضیلت‌های اخلاقی. چراکه میان «خلق» ما با اثری که «خلق» می‌کنیم؛ رابطه‌ای وجود دارد از جنس رابطه ریشه و ساقه درخت با میوه‌های آن. به‌قول شاعر «از کوزه همان برون تراود که در اوست». همچنین علم اخلاق ناظر بر شناخت نفس (علم‌النفس) می‌باشد که امروزه در میان علوم تجربی بشری، دانش روان‌شناسی متکفل آن است. اما شناخت انسان از منظر خالق او کجا و شناختش از منظر مخلوقات کجا؟! قاعدتاً هرچه شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد؛ مکانی که برای زندگی او طراحی می‌شود؛ غنی‌تر خواهد بود.

۶. احکام و فقه (که به رفتارهای بیرونی آدمی و رابطه فردی او با خودش و خدا می‌پردازد) اینجا معمار یا باید فقیه باشد یا بر مبنای فتوای یک فقیه عمل کند (مراجعه به دین‌شناس) و البته در مورد شهرسازی باید مراجعه به «ولی فقیه» باشد که ایشان متولی امور اجتماعی مردم و راهبر آن به سمت و سوی اسلامی است. اما خروجی این بخش، احکامی است باز در دو سطح: یا مستقیم درباره خود معماری و شهرسازی (مثلاً احکام مسکن اسلامی) یا درباره سبک زندگی اسلامی مطابق فقه، که باز معمار باید اجتهاد تخصصی کند. یعنی مکان مناسب زندگی مسلمانانه -بر طبق فقه- را فراهم آورد. مثلاً اگر احکام طهارت یا آداب زیارت یا... موجب تأثیر بر مکان طهارت یا زیارت می‌شود، باید آنرا به‌عنوان اصول طراحی احصا کند و به‌عنوان احکام طراحی به آن عمل کند.

روشنتری به معماران بدهند. البته همچون قرآن، به اصول سبک زندگی مؤمنانه بیشتر پرداخته‌اند که باز، وظیفه معماران مسلمان، اجتهاد فروع تخصصی معماری از اصول برخاسته از قرآن و روایات است. یعنی معمار مسلمان باید اصول طراحی ظرف مناسب برای سبک زندگی مسلمانانه را خلاقانه کشف و متعهدانه به آن عمل کند. این همان فعالیتی است که از آن به «اجتهاد معمارانه» تعبیر می‌کنیم. به زبان ساده‌تر معمار مسلمان باید در جستجوی حرف خدا در معماری باشد.

۳. عرفان و شهود باطنی، با روش تزکیه نفس و ریاضات شرعی معمار قابل دستیابی است. از آنجا که در عرفان اسلامی همه عالم از خدا و به سوی اوست؛ همه چیز تجلی صفات حسن پروردگار است، اسماء الله است یا «اسمائک التی ملئت ارکان کل شیء»<sup>۱۳</sup> است؛ در نتیجه نظریه «معماری صفات» که استاد مهندس عبدالحمید نقره‌کار (در تبیین زیبایی در معماری) فرموده‌اند (خورسند و نقره‌کار ۱۳۹۷) می‌تواند راهگشای بسیار مفیدی برای معماران و شهرسازان باشد. در این نگرش، معماری شایسته واجد صفات حسن الهی است (در حد ظرفیت وجودی جمادات) و چنین مکانی می‌تواند به‌طور نسبی زمینه‌ساز «حال خوب» در بهره‌برداران خود شود. یعنی تجلی همان صفات در وجود بهره‌برداران (مثلاً سرزندگی و نشاط، با تجلی صفت حی، آرامش و سکونت، تواضع و متانت، حیا و عفت و...). همچنین در سطحی لطیف‌تر معمارانی که اهلیت دارند می‌توانند صورت‌های باطنی آثار خود را پیش از خلق آنها در قوه خیال روحانی خویش تصور کنند<sup>۱۴</sup>.

۴. فلسفه و کلام، با روش استدلال و عقلانیت (برهان) برای معمار قابل دستیابی است. مقولاتی همچون «انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، هستی‌شناسی، طبیعت‌شناسی، فلسفه تاریخ و...» از منظر توحیدی و اسلامی، راهگشای معماران و شهرسازان است. از آنجا که معماری و شهرسازی، ساماندهی مکان زندگی انسان در بستر محیط است؛ شناخت این عوامل و رابطه آنها با یکدیگر و به‌خصوص تعیین نقش مکان (معماری) در این میان مسأله مهمی است که معماران باید پاسخش را بیابند و اینجا مقصود آن است که منبع یافتن پاسخ، آموزه‌های فلسفه اسلامی





بیانگر ۴۰ سرفصل موضوعی برای تحقیق درباره «معماری اسلامی» است که با روش مدلسازی مفهومی از ترکیب چهار رکن معماری با هفت عرصه حکمت اسلامی (که پیش‌تر تبیین شد) تشکیل شده است. ابتدا ۲۸ حوزه ارتباطی مستقل و سپس در هریک از بخش‌ها با احتساب جمع‌بندی و یکپارچه‌سازی علوم مرتبط، به ۱۱ سرفصل ترکیبی و در نهایت در یک جمع‌بندی نهایی وحدت‌بخش چهلمین مرحله پیوند آموزه‌های «حکمت اسلامی» با «معماری» است. به نظر می‌رسد در صورت مطالعه در هر بخش و ترکیب فراورده‌های آن از طریق «مدیریت دانش» بتوان «مکتب معماری اسلامی» را بنیان نهاد. طبعاً ممکن است در هر بخشی قرائت‌های مختلفی وجود داشته باشد که در گام اول، خروجی کار، مجموعه از قرائت‌هاست که حداقل، به همه مقولات «معماری و اسلام» پرداخته‌اند و به دلیل ساختار واحد، می‌توان درباره هر فصل گفتگو و همفکری نمود یا حتی در مواردی که این قرائت‌ها، به نقطه مشترک نمی‌رسند؛ حداقل نقطه تفاوت دیدگاه معلوم می‌شود (مثلاً در ردیف شماره ۱۴ که حقوق درباره خود بنای معماری است؛ اختلافی وجود دارد). از این منظر حداقل کارکرد این جدول (جدول ۱)، شفاف‌سازی مکاتب معماری است.

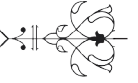
۷. حقوق (که روابط اجتماعی انسان با مردم و محیط زیست را مدنظر دارد)، اینجا نیز کار معماران مراجعه به متخصصین حقوق اسلامی است (یا اینکه خودشان متخصص این عرصه بشوند). سپس اجتهاد معمارانه برای یافتن کیفیات مکانی مناسب، به‌گونه‌ای که حقوق و حدود الهی در آن فضا رعایت شود. اعم از حقوق مستقیم الهی (حق‌الله) یا حق‌الناس، یا حقوق طبیعت. به‌عنوان مثال، یک قاعده کلی داریم به نام «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» یعنی در اسلام نه ضرر دیدن و نه ضرر رساندن، هیچکدام مقبول نیست. از درون این قاعده کلی، تعداد زیادی اصول معماری و شهرسازی و احکام طراحی به‌دست می‌آید که نیازمند اجتهاد معمار مسلمان است.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: چهل گام تا تدوین «مکتب معماری اسلامی»

همانگونه که ملاحظه می‌شود؛ از منظر هریک از شاخه‌های علوم اسلامی می‌توان به معماری نگریست و اصولی برای هریک از عرصه‌های «سپهر معماری» و به‌طور خاص، اصولی برای طراحی معماری به‌دست آورد. کما اینکه اندیشمندان دلسوز - از هر دو سمت اسلام‌شناسان و معماران - با گرایش‌های فقهی، عرفانی، روایی، و... از اسلام به معماری نزدیک شده‌اند و ره‌آوردهای ارزشمندی نیز داشته‌اند. این دستاوردها باید به‌طور مکمل و هم‌افزا شاکله‌ای منسجم و هندسه‌ای یکپارچه یابد تا نگرشی «جامع» از منظر اسلامی به معماری و شهرسازی را سامان دهد. اگرچه هریک از این علوم دستاوردی برای معماران دارد و می‌تواند بخشی از پازل «معماری اسلامی» را تکمیل کند؛ اما مجموع آنها، یک کلیت واحد و هماهنگ است (سیستم) که آن را «منظومه حکمت اسلامی» می‌نامیم. معمار مؤمن و مؤدب به ادب الهی، طی درک و وجدان درونی مجموع این علوم و باورمندی به آنها (ایمان) به‌تدریج دارای حکمتی جامع می‌شود که در اعمال و آثار وی متجلی خواهد شد (عمل صالح)، بحول الله. طی این طریق از یک‌سو با تلاش و مجاهده معمار و از دیگر سو با توفیق الهی هموار می‌گردد.

در این مرحله پایانی، بر اساس مدل پیشنهادی نحوه کاربرد آنرا در کشف اصول معماری از حکمت اسلامی مطرح می‌کنیم. اگر معماری راه، ظرف زندگی انسان بدانیم؛ آنگاه مظهر معماری، سبک زندگی ساکنان است. جدول زیر

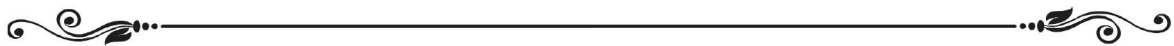




علوم اسلامی (جمعشان = حکمت اسلامی)					
الف	ب	ج	د	هـ	
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸				

جدول ۱. فهم جامع از «معماری، در منظومه حکمت اسلامی»

		جمع‌بندی این علوم و برآیند آنها = حکمت اسلامی
		حقوق (که روابط اجتماعی انسان با مردم و محیط زیست را مد نظر دارد)
		احکام و فقه (که به رفتارهای بیرونی آدمی و رابطه فردی او با خود و خدا می‌پردازد)
		اخلاق که به خلیقات درونی انسان می‌پردازد.
		فلسفه و کلام، با روش استدلال و عقلائیات (برهان)
		عرفان و شهود باطنی، با روش تزکیه نفس و ریاضات شرعی
		عترت (حدیث و روایت) با روش استناد معتبر
		قرآن (تفسیر و دلالت)
		فصل مشترک نگرش‌های «سیستمی + فلسفی + راهبردی» به معماری = ۴ رکن اصلی معماری
۱	۱	تأثیر بنا بر بهره‌برداران (و خود معمار و محیط) که عبارت از سبک زندگی ساکنان یا «حال» خوش یا ناخوش آنان است، همان علت غایی در نگرش فلسفی و هدف در نگرش سیستمی و پیامد در نگرش راهبردی است. می‌توان خواسته‌های بهره‌بردار (کارفرما) را نیز همان «ورودی» در نگرش راهبردی و وجه بالقوه علت غایی در نگرش فلسفی و هدف در نگرش سیستمی دانست. کارکرد بنا
۲	۸	خود بنای معماری و ترکیب نهایی آن که به‌عنوان مکان زندگی استفاده می‌شود؛ همان ترکیب اجزا و کلیت در نگرش سیستمی و خروجی در نگرش راهبردی و ترکیب علل صوری و مادی در نگرش فلسفی است. = کالبد بنا (فرم و فضای معماری)
	۲۹	نگرش حکمت اسلامی درباره سبک زندگی
	۲۰	نگرش حکمت اسلامی درباره فرم و فضای معماری
	۷	
	۶	
	۵	
	۴	
	۳	
	۲	
	۱۴	
	۱۳	
	۱۲	
	۱۱	
	۱۰	
	۹	





۳۱	نگرش حکمت اسلامی درباره «معمار» و دست‌اندرکاران	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۳	معمار (فرایند طراحی او + اهلیت وی + حسن فاعلی و فعلی او) همان سامانگر در نگرش سیستمی و مدیر و راهبر پروژه در نگرش راهبردی و علت فاعلی در نگرش فلسفی است. هرچند در نگاهی دقیق‌تر، مجموع دست‌اندرکاران معماری و تصمیم‌گیران سپهر معماری را می‌توان به‌عنوان علت فاعلی دانست؛ اما از آنجا که تصمیم نهایی با معمار است؛ آن‌را به‌عنوان علت فاعلی لحاظ می‌کنیم.
۳۲	نگرش حکمت اسلامی درباره محیط معماری و نسبت معماری	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۴	بستر و زمینه شکل‌گیری معماری و نسبت بنا با آن، نیز نحوه تصمیم‌گیری معمار در این‌باره، در همه نگرش‌ها به‌عنوان زمینه قابل پذیرش است. چراکه هیچ بنایی در خلأ اتفاق نمی‌افتد. گاهی در نگرش فلسفی آن‌را به‌عنوان علت پنجم یا «علل زمینه‌ای» نیز می‌نامند. همچنین گاهی در نگرش راهبردی، اطلاعات زمین و زمینه به‌عنوان بخشی از «ورودی» مسأله معمار لحاظ می‌شود. چراکه معماران در ابتدای کار هر پروژه با دو عامل «خواست کارفرما + زمین» مواجه می‌شوند و باید بر اساس این دو «ورودی»، معادلات معماری را سامان بدهند.
جمع‌بندی هر یک از نگرش‌های اسلامی درباره معماری										
۴۰	جمع‌بندی نهایی = فهم جامع از «معماری» در منظومه حکمت اسلامی	نگاه حقوق اسلامی درباره هر ۴ مقوله معماری و رابطه آنها	نگاه فقهی و احکام اسلامی درباره هر ۴ مقوله معماری و رابطه آنها	نگاه اخلاقی اسلامی به هر ۴ مقوله معماری و رابطه آنها	نگاه فلسفی به هر ۴ مقوله معماری و رابطه آنها	نگاه عرفانی به هر ۴ مقوله معماری و رابطه آنها	نگاه سنت و سیره به هر ۴ مقوله معماری و رابطه آنها	نگاه قرآنی به هر ۴ مقوله معماری و رابطه آنها		

سخن گفته‌اند و درباره اثربخشی آن بر انسان (کارکرد) را فراموش کرده‌اند.

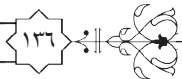
#### ۶-۱. کاربرد این پژوهش: نقشه راهی برای تحقیقات هدفمند و تمدن‌ساز (پیشنهاد یک برنامه چهار ساله)

یکی از کاربردهای این تحقیق، ارائه الگویی منظومه‌ای (سیستمی) برای ساماندهی تحقیقات «معماری اسلامی» است که برای راهبری پژوهش‌های این حوزه، راه‌گشاست.

این منظومه (پازل) می‌تواند به‌عنوان الگو و میزانی برای ارزیابی اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون درباره معماری اسلامی به کار آید. مثلاً دیدگاهی که معماری را از منظر عرفان و تصوف اسلامی می‌نگرد (سنت‌گرایان) با دیدگاهی که از منظر فقهی-حقوقی به معماری می‌نگرد (برخی فقها و روحانیون) یا دیدگاهی که از منظر فلسفی (انسان‌شناسی و هستی‌شناسی و زیبایی‌شناسی) به معماری می‌نگرد (قطب علمی معماری اسلامی) قابل تشخیص هستند. یا اینکه افراد یا مکاتبی فقط درباره کالبد معماری (فرم)







اسلامی خواهیم بود که می‌تواند نقطه شروعی برای شکل‌گیری گفتمان جمهوری اسلامی در حوزه معماری و شهرسازی باشد. گفتمانی که یکی از شاخه‌های درخت تنومند «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» است و آن نیز مقدمه‌ای برای معماری و شهرسازی در عصر ظهور، که عصر بهار همه موجودات و روزگاران است.<sup>۱۵</sup>

### قدردانی

این تحقیق، حاصل شاگردی نگارنده از اساتیدی است که در حوزه «معماری اسلامی» تلاش کرده‌اند که خدا را بابت وجودشان شکرگزارم و قدردانی از ایشان را بر خود لازم می‌دانم. والحمدلله اولاً و آخراً...

پژوهشگران دکتری می‌توانند بر اساس منظومه (پازل) پیشنهادی این تحقیق، اقدام به تکمیل خانه‌های خالی آن کنند و در آستانه چهل سال دوم انقلاب باید چهل گام تا تدوین مکتب معماری اسلامی بردارند. شرط آن تشکیل یک «ستاد مشترک راهبری پژوهش‌های معماری» در وزارت «عتف» یا یک بخش خصوصی با رویکرد جهادی و دغدغه انقلابی است. پیشنهاد می‌شود این موضوعات چهل‌گانه به‌عنوان موضوع تحقیقات دکتری دانشکده‌ها، مراکز پژوهشی یا اندیشکده‌های معماری قرار گیرد. با توجه به زمان تقریبی ۴ سال برای هر تحقیق دکتر، در صورتیکه این تدبیر انجام شود؛ با همت جهادگران سنگر تولید علم، ظرف ۴ سال آینده شاهد یک بهار علمی در دهه اول گام دوم انقلاب با شکوفه‌هایی از مکتب معماری

### پی‌نوشت

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد. برگرفته از مقدمه بیانیه در سایت دفتر حفظ و نظر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به آدرس «<https://farsi.khamenei.ir>»
۲. روایتی از پیامبر حکیم (صلوات الله علیه و آله): پیامبر صلی الله علیه و آله: «الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهِمُ بِهِ السُّعْدَاءُ وَ يُخْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءُ؛ دانش پیشوای عمل و عمل پیرو آن است. به خوشبختان دانش الهام می‌شود و بدبختان از آن محرومند. [الأمالی، طوسی، ص ۴۸۸، ح ۳۸]. برگرفته از سایت «کتابخانه احادیث شیعه» به آدرس: «<https://www.hadithlib.com/hadithtxts/view300286>»
۳. معمولاً واژه انگلیسی «positive» برای توصیفی بودن علوم و «normative» برای تجویزی بودن مهندسی به کار می‌رود.
۴. قاعده لاضرر به معنی نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است. قاعده لاضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیش‌تر ابواب فقه کاربرد دارد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است. برگرفته از سایت ویکی فقه به آدرس «<https://wikifeqh.ir>»
۵. سؤال تلفنی از دفتر آیت‌الله بهجت (ره)، برگرفته از سایت «مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی» به آدرس «<https://pasokhgoo.ir>»
۶. برگرفته از خلاصه نویسی کتاب در سایت اُرسی به آدرس «<https://or30.net>»
۷. منبع: [مستطرفات السرائر: ۲۱/۵۸]، برگرفته از سایت «کتابخانه احادیث شیعه» به آدرس «<https://www.hadithlib.com>»
۸. برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملی در دیدار با جمعی از عوامل فیلم زندگی نامه «سید عباس موسوی» دبیر کل سابق حزب الله لبنان (اول اردیبهشت ۱۳۹۴). مأخذ: سایت خبرگزاری مهر به آدرس «<https://www.mehrnews.com/news>»
۹. مأخذ: سایت «ویکی پرسش» به آدرس «<http://www.wikiporsesh.ir>»
۱۰. کتاب شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره)، حدیث ۲۴ (اقسام علم). برگرفته از سایت پرتال امام خمینی (ره) به آدرس: «<http://www.imam-khomeini.ir>»
۱۱. دانش‌های فرعی زیادی در حوزه‌های علمیه مطرح است که موضوع اصلی برخیشان غور در آموزه‌های اسلام است و برخی هم مقدمات لازمند (ادبیات عرب، منطق، و...) که جزئیات تخصصی آن موضوع بحث ما نیست و البته نیاز به تحقیق





بیشتر دارد. شاید موضوعاتی باشد که با معماری و شهرسازی ارتباط نزدیکتری داشته باشد و به صورت کاربردی‌تر در معماری بتوان از آنها بهره جست.

۱۲. استاد علامه جوادی آملی در یک دسته‌بندی لطیف، از سه واژه «قرآن و عرفان و برهان» نام می‌برند.

۱۳. فرازی از دعای شریف «کمیل»

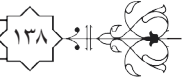
۱۴. درس گفتارهای استاد مهندس عبدالحمید نقره‌کار

۱۵. یکی از القاب امام زمان: در زیارتنامه امام زمان (عج) می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى رَيْبِجِ الْأَنْبَاءِ وَ نُصْرَةِ الْأَيَّامِ» یعنی سلام بر بهار مردمان و خرمی روزگاران.

## منابع

۱. پورمحسن، حسن، سید محمد موسوی بجنوردی، و مریم ابن تراب. ۱۳۹۸. کاربرد قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی) ۱۲ (۱): ۲۵۱-۲۷۶.
۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۴. اصول پانزده‌گانه تمدن‌سازی. اندیشه تمدنی اسلام ۱ (۱).
۳. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۷. مفاتیح الحیات. قم: اسراء
۴. خادمی، حمیدرضا، و سیدمسعود مسعودیان. ۱۳۹۳. هنر دینی از منظر علامه جوادی آملی. حکمت اسراء (۲۱).
۵. خورسند، رامین، و عبدالحمید نقره‌کار. ۱۳۹۷. تبیین مفهوم زیبایی از منظر جهان‌بینی اسلامی جهت ارزیابی آثار معماری و شهرسازی. نقش جهان ۸ (۲).
۶. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۷. درس گفتار معماری اسلامی در خانه حکمت و فلسفه ایران.
۷. سیفیان، محمدکاظم. ۱۳۷۷. قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی. هنرهای زیبا (۳).
۸. قربانی، رحیم. ۱۳۹۳. معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی. نشر شبکه اندیشه.
۹. کیانی فرید، مریم. ۱۳۹۰. نظریه اجتماعی؛ اسلام: طبقه بندی در تاریخ؛ بحثی در باب تقسیمات علوم از منظر اندیشمندان متقدم. سوره اندیشه (۵۴-۵۵).
۱۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۴. آشنایی با علوم اسلامی. تهران: صدرا.
۱۱. مفاتیح الجنان. زیارتنامه امام زمان (ربیع الانام).
۱۲. مفاتیح الجنان. دعای کمیل.
۱۳. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۶. درس گفتار درس حکمت اسلامی در معماری و شهرسازی. دانشکده معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۴. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۸. مبانی نظری معماری. دانشگاه پیام نور.
۱۵. نقره‌کار، سلمان. جزوه درسی «مبانی نظری معماری».
۱۶. \_\_\_\_\_ . تحقیق درحال انجام «معماری اسلامی چه هست و چه نیست؟».
۱۷. نقی‌زاده. ۱۳۸۵. شهرسازی و معماری اسلامی (مبانی نظری). نشر راهیان.
۱۸. احادیث امام رضا(ع)، کتابخانه احادیث شیعه، برگرفته از لینک <https://www.hadithlib.com/guides/view?page/۱۰>
۱۹. حکمت نظری، سایت ویکی پرسش، برگرفته از لینک [http://wikipersesh.ir/%D۸%DB%B%DA%BA%D۸%A۶%AA\\_%D۹%D۸%۸۵%D۹%AD%DA%A۹%](http://wikipersesh.ir/%D۸%DB%B%DA%BA%D۸%A۶%AA_%D۹%D۸%۸۵%D۹%AD%DA%A۹%)
۲۰. ویکی فقه، سایت «دانشنامه فقه و اصول و علوم حوزوی»، به آدرس <https://wikifeqh.ir>
۲۱. مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی، به آدرس <https://pasokhgoo.ir>
۲۲. پرتال امام خمینی(ره) به آدرس <http://www.imam-khomeini.ir>
۲۳. سایت آرسی (منتخب دنیای معماری)، به آدرس <https://or۳۰.net>
۲۴. خبرگزاری مهر به آدرس <https://www.mehrnews.com/news>

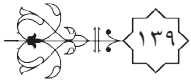




## References

1. Ghorbani, Rahim. 2014. *Optimal Islamic Architecture and Urban Planning*. Andishe Channel Press.
2. Javadi-e Amoli, Abdollah. 2016. *The Fifteen Principles of Civilization*. Andishe Tamadoni-E Islam 1 (1).
3. Javadi-e Amoli, Abdollah. 2019. *Mafatiholhayat*. Qom: ASRA.
4. Khademi, Hamidreza, and Seyed Masoud Masoudian. 2015. *Religious Art from the Perspective of Allameh Javadi Amoli. Hekmat-e Asra (21)* [in Persian].
5. Khorsand, Ramin, and Abdolhamid Noghrekar. 2019. *Explaining the Concept of Beauty from the Perspective of the Islamic Worldview to Evaluate the Works of Architecture and Urban Planning*. *Naghsh-e-Jahan* 8 (2) [in Persian].
6. Khosropanah, Abdolhossein. 2019. *Islamic Architecture Speech Course in the House of Wisdom and Philosophy of Iran* [in Persian].
7. Seifian, MohammadKazem. 1999. *Harmless Rule and Its Observance in the Principles of Islamic Architecture and Urban Planning*. *Honar-ha-ye-Ziba* (3) [in Persian].
8. Kianifarid, Maryam. 2012. *Social Theory; Islam: Classification in History; A Discussion of the Divisions of Science from the Perspective of Early Thinkers*. *Soreh Andishe* (54-55) [in Persian].
9. Naghizade. 2006. *Islamic Urban Planning and Architecture (Theoretical Foundations)*. Rahian Press.
10. Motahari, Morteza. 1996. *Introduction to Islamic Sciences*. Tehran: Sadra.
11. *Mafatih ol-Jinan*. Ziaratnameh Emam Zaman.
12. *Mafatih ol-Jinan*. Komeil Doa.
13. Noghrekar, Abdolhamid. 2018. *Speech Lesson in Islamic Wisdom in Architecture and Urbanization*. School of Architecture of Iran, University of Science and Technology
14. Noghrekar, Abdolhamid. 2020. *Theoretical Foundations of Architecture*. Payame Noor University.
15. Noghrekar, Salman. Author's "Theoretical Foundations" Textbook.
16. Noghrekar, Salman. Ongoing Research "What is Islamic Architecture and What is Not?".
17. Pourmohsen, Hassan, Seyed Mohammad Moosavi Bojnordi, and Maryam Ebneterab. 2020. *Application of Harmless Rule in Environmental Protection and Architecture in Order to Provide a Model for Islamic and Iranian Urban Planning*. *Human Geography* 12 (1): 251- 276 [in Persian].
18. <https://www.hadithlib.com/guides/view/10/page:68>
19. [http://wikiporsesh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA\\_%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C](http://wikiporsesh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA_%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C)
20. <https://pasokhgoo.ir>
21. <https://or30.net/>
22. <https://wikifeqh.ir>
23. <http://www.imam-khomeini.ir>
24. <https://www.mehrnews.com/news>





Journal of Research in Islamic Architecture / No.33 / Winter1400

**Forty steps to compile the «School of Islamic Architecture»  
(In search of a model for the comprehensive benefit of the teachings  
«Islamic Wisdom» in «Architecture»)**

**Salman Noghrekar\***

Faculty member, Assistant Professor, Shahid Rajaei Teacher Training University,  
Faculty of Architecture and Urban Planning.

Received: 22/11/2021

Accepted: 3/10/2021

### Abstract

If we consider the main mission of architects to be «organizing the place of human life in the context of the environment», then understanding «man and the environment and the relationship between the two» will be the basis of their design decisions. This knowledge includes both areas of «beings and musts» that if it is based on «intellect and revelation», the resulting architectural principles can be rational and Islamic, and the architectural works based on it can also be called «Islamic architecture». So far, various views on Islamic architecture have been proposed, the origins of which can be categorized from two sides. On the one hand, Islamologists have moved towards the principles and principles of architecture by using Islamic sources, and on the other hand, architects and urban planners have left their specialized position in search of Islamic architectural principles by referring to these sources. This research begins with the aim of proposing a «unifying and efficient» structure to explain the relationship between «architecture and Islam» and seeks a comprehensive model for combining and composing the components of the two categories. Our question is, «How can Islamic teachings be used comprehensively and practically in architecture?» The direction of the research is that while explaining the two categories of «Islam and architecture» with the method of content analysis and logical reasoning, an attempt is made to compile the basic concepts of these two categories by modeling. The research findings indicate that Islamic teachings can be classified into three areas: «theoretical and practical wisdom and Additional wisdom». Architecture can also be explained from three perspectives: «systemic, philosophical, strategic», the common chapter of which is the four main pillars in architecture. The combination of these two categories (three fields of Islamic wisdom and four components of architecture) provides a good capacity to organize a «school of Islamic architecture». The result is a tabular structure with 40 cells, the content of which must be supplemented by the teachings of Islamic wisdom, and can be useful in «guiding Islamic architectural research.» The result of the research will be to present a unifying model to the set of views in the form of a relatively comprehensive structure, which is one of the preconditions for the formation of the «Islamic-Iranian school of architecture» on the eve of the second step of the revolution.

**Keywords:** Islamic architecture, Islam, systemic attitude, philosophical attitude, strategic attitude, Islamic wisdom, the second step of the revolution